

مسیحیت در دیوان خاقانی

ترجم امیری امرایی

دیگر دلایل این شاید مهمترین دلیلی است که او تسلط کافی به مسیحیت داشته و به نحو شایسته‌ای حضرت مسیح و حضرت مریم را می‌شناخته است. در جای جای دیوان خاقانی در این مورد سخن رفته است.

در این مقاله سعی شده است چهره حضرت عیسی(ع) و حضرت مریم و آیین مسیحیت در دیوان خاقانی نشان داده شود. از آنجایی که نویسندگان و صاحب‌نظران فراوانی قصیده مشهور ترساییه خاقانی را شرح کرده‌اند و ابیات آن برای اهالی ادب آشنا است لذا در این نوشتار سعی شده است تا آنجایی که ممکن است شواهدی از این قصیده ذکر نشده و از دیگر شواهد موجود در دیوان خاقانی بهره گرفته شده است.

پاکی مریم:

مطابق آیات قرآن، حضرت مریم از تهمت‌هایی که پس از زادن حضرت عیسی به او می‌زدند پاک است و از دم روح القدس در او دمیده شده و حضرت عیسی در وجودش به ودیعه نهاده شده تا در آینده پیامبری فرستاده شده از جانب خداوند باشد. در دیوان خاقانی بارها این مطلب آورده و توجه قرار گرفته، ابیات فراوانی در این مورد آمده است. خاقانی حضرت مریم را باکره می‌داند و از این موضوع استفاده کرده، سخنان و اشعار خود را همچون حضرت مریم بکر و دست نخورده می‌داند، از جمله می‌فرماید:

مریم بکر معانی را منم روح القدس
عالم روح معالی را منم فرمان روا

ص ۱۷

ز یک نفعه روح عدلش جو مریم
عقیم خزان بکر نیشان نماید

ص ۱۳۱

مریم دوشیزه باغ، نخل رطب بیدین
عیسی یک روزه گل، مهد طرب گلستان

ص ۳۳۱

روزه مریم و اعجاز حضرت عیسی:

پس از تولد حضرت عیسی، مردم زبان به طعن حضرت مریم دراز کردند. به همین خاطر حضرت مریم، روزه گرفت که با کسی حرف نزنند و از آنانی که در مورد تولد حضرت عیسی از او سؤال می‌پرسیدند خواست، جواب خود را از حضرت عیسی که در گهواره بود بگیرند. این جریان در آیه ۱۹ سوره مبارکه مریم ذکر شده است. در دیوان خاقانی نیز اشارات فراوانی به این موضوع شده است:

روزه کردم نذر چون مریم که هم مریم صفاست

خاقانی شروانی گذشته از آشنایی با قرآن کریم که به صورت مبسوط درباره مسیح و مریم می‌گوید، به دلیل نسبت از سوی مادر به دین مسیح مریم(ع) و ارتباط‌هایی که بدین طریق با برخی از مسیحیان می‌تواند داشته باشد اطلاعات وسیعی درباره دین عیسی مسیح دارد. به همین سبب از دست‌مایه‌های ارزشمندوی در خلق چکامه‌های ناب معلومات اوست درباره دین مسیح و پیامبر مسیحان و هر نکته‌ای که بدان‌ها برمی‌گردد. هیچ شاعری در ادبیات فارسی در این زمینه، همتای خاقانی نیست. در نوشته زیر، نویسنده انگشتی به دربار سائنده است.

کتاب تورات و انجیل و شفا دادن کور مادرزاد و زنده کردن مردگان سخن می‌گویند تا جایی که در بین مسلمانان دم مسیحایی به معنی نفس حیات بخش جایگاهی ویژه دارد و در سخنان و نوشته‌های خود بسیار زیاد از آن استفاده می‌شود. همین اشارات و تأکیدات کتاب مقدس مسلمانان کافی است تا نگاهی ویژه به حضرت عیسی مسیح و آیین الهی او داشته باشند. مجموعه مسابلی که در سطور بالا گفته شد موجب شده است که حضرت مسیح و حضرت مریم و آیین مسیحیت در ادبیات و فرهنگ ایران جایگاه شایسته‌ای داشته، شاعران و نویسندگان ایرانی و فارسی زبان بر مبنای آیات و احادیثی که در این مورد آمده، چهره حضرت مسیح و آیینش را به نحو شایسته‌ای نمایانده‌اند. در بین شاعران فارسی‌زبان چون: رودکی، کسایی، عنصری، منوچهری، ناصر خسرو، ظهیر فاریابی، سنایی، نظامی، حافظ، سعدی، مولوی و ... به مسیحیت و حضرت عیسی و حضرت مریم اشاراتی داشته‌اند، از جمله کسانی که بیشتر از دیگران به این جریان پرداخته است خاقانی است، دلایل این امر عبارتند از:

۱- آشنایی و ارتباط با بعضی شخصیت‌های مسیحی.

۲- مسیحی بودن مادر

۳- اشاره آیات قرآن به داستان حضرت مسیح.

۴- مسافرت‌های خاقانی به مناطق مسیحی نشین و نزدیکی محل زندگی خاقانی با مسیحیان. آنچه از کتب و نوشته‌های گذشته برمی‌آید این است که به نظر می‌رسد در منطقه شروان مسیحانی نیز زندگی می‌کرده‌اند.

او علاوه بر استفاده از آیات و احادیثی که در مورد حضرت عیسی و حضرت مریم و مسیحیت آمده و همچنین آثار دیگر نویسندگان و شاعران فارسی زبان، از اطلاعات مادر مسیحی خود بهره برده، صرف نظر از

در طول تاریخ بشر، همیشه افرادی زاده می‌شوند که دارای ویژگی‌های برجسته انسانی و اخلاق و روحی‌اند. این افراد همانگونه که از ویژگی‌های پسندیده‌شان مشخص است از دیگر مردم زمان خود برترند و می‌توان آنان را اسطوره‌هایی نامید که هر کدام از جنبه‌ای و در گوشه‌ای از تاریخ جای می‌گیرند، چون اسطوره‌های ملی و اسطوره‌های مذهبی. نمونه برجسته این اسطوره‌ها در عقیده شیعیان حضرت امیرالمومنین علی(ع) است و در آیین مسیحیت نیز حضرت مسیح(ع).

حضرت مسیح(ع) در بین همه بشریت، خواه پیروان او و خواه آنانی که بر دیگر کیش‌ها هستند، جایگاه خاصی دارد. همه ایشان را شخصیتی برجسته و درخور تحسین می‌دانند. مسلمانان و بخصوص شیعیان حضرت مسیح را یک پیامبر الهی و پاکیشی قابل احترام می‌دانند. چنانچه در آغاز اسلام پیروان این دین؛ عیسی(ع) را به عنوان پیامبری برحق از جانب خداوند می‌دانند که نه زاده اوست و نه مهر شرک بر پیشانی دارد.

آیه بیست و نهم سوره مبارکه مریم که حضرت عیسی(ع) به جواب قوم خویش در گهواره چنین می‌فرماید: «من بنده خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود» دلیلی است بر اعجاز آن حضرت. به همین خاطر و نیز به دلیل توجه قرآن کریم به حضرت مسیح و حضرت مریم، این حضرت و آیین الهی او در اسلام و بین مسلمانان محترم است؛ همانگونه که دیگر ادیان الهی از جانب مسلمانان قابل احترامند. حضرت عیسی مسیح در بین مسلمانان یکی از پیامبران صاحب کتاب الهی است به همین دلیل بیش از دیگر پیامبران شناخته شده و مورد توجه است. در قرآن آیاتی در مورد حضرت عیسی مسیح و زندگی و آیین او آمده است (۱) قرآن مجید از سخن گفتن حضرت عیسی در گهواره، معجزات حضرت مسیح و آموختن

خاطر روح القدس پیوند عیسی زای من

ص ۳۲۱

سخن در ماتم است اکنون که من چون مریم از اول در گفتن فروبستم به مرگ عیسی ثانی

ص ۴۱۵

نتیجه‌ی دختر طعم چو عیسی است که بر پاکی مادر هست گویا

ص ۲۴

بارداری مریم:

یکی از سخت‌ترین و دردناکترین دوران زندگی مردم، دوران بارداری او بود. در این دوران مریم مورد تهمت‌های تند مردم زمان، بخصوص یهودیان آن عصر قرار می‌گرفت به نحوی که زندگی برای او بسیار دشوار شده بود. او این دوران را فقط به امید تولد یک مصلح پشت سر گذاشت. خاقانی سختی‌های حضرت مریم را این گونه تصویر کرده است.

خاطرم مریمی است حامل بکر که دمیش از صفا فرستادی مریمی کش هزار و یک درد است صد هزارش دوا فرستادی

ص ۹۲۳

هر دم مرا به عیسی تازه است حامله زان هر دمی چو مریم عنرا برآورم

ص ۲۴۴

صبح شد مریم، آفتاب مسیح قطره‌ی ژاله اشک مریم صبح

ص ۴۲۵

مریم و نخل خشک:

در سوره مبارکه مریم آمده است که در هنگام تولد حضرت عیسی، مریم به نخلی خشک تکیه داده و به دستور خداوند با تکان دادن آن برایش خرماي تازه فرود آمده و از آن تناول نمود. این جریان بارها در دیوان خاقانی مورد تأکید قرار گرفته و دستمایه آفریدن تصاویر زیبایی شده است از آن جمله است:

زبان بسته به مدح محمد آرد نطق که نخل خشک بی مریم آورد خرما

ص ۱۳

خاصگان مریم از نخل کهن خرماي نو خورده‌اند و بر جهودان استخوان افشاندند

ص ۱۰۹

من نخلم و تو مریم، من عازرم و عیسی نخل از تو گشت تازه و جان از تو یافت عازر

ص ۱۸۷

یا مریم، نخل خشک بفشاند خرماي تراز میان فرو ریخت

ص ۵۰۷

دم حیات بخش:

حضرت عیسی (ع) دمی حیات بخش داشته و مردگان را زنده می‌کرده و مریمان را شفا می‌بخشیده است. از جمله زنده کردن مردی به نام عازر. خاقانی با این معجزه حضرت عیسی آشنایی داشته و بارها از آن استفاده کرده است.

عازر ثانی منم یافته از وی حیات عیسی دلها وی است داده تنم را شفا

ص ۳۸

عازر دل مرده‌ای در وی گریز گو مرا باد مسیحایی فرست

ص ۸۲۶

□ شاعران فارسی‌زبانمانند

رودکی، کسایی مروزی، عنصری،

منوچهری، ناصر خسرو، ظهیر

فارابی، سنائی، نظامی، سعدی و

مولوی در اشعار خود اشاره‌هایی

به حضرت عیسی و مادرش دارند،

اما خاقانی به این مورد در آثارش به

صورت مبسوط‌تر پرداخته است.

آن را که زلب دم مسیحا خیزد
آخر به چه زهره تب در او آویزد

ص ۷۱۶

سوزن عیسی:

آنگاه که حضرت عیسی را به آسمان‌ها بردند با خود سوزنی داشت که این سوزن مانع عروج او به سوی عوالم دیگر شده به همین خاطر در آسمان چهارم ماند (شاید به دلیل این که سوزن نشانه‌ای از مادیات است). سوزن عیسی در دیوان خاقانی به کرات آورده شده است و خاقانی با تشبیه آن به دجال یک چشم مضامین زیبایی آفریده است:

بر کوردلان سوزن عیسی نسپارم
بر پرده‌دران رشته‌ی مریم نفروشم

ص ۷۹۱

چو عیسی که غربت کند سوی بالا
بجز سوزنش رشته‌تایی نیایی

ص ۴۱۹

گرچه عیسی وار از اینجا بار سوزن برده‌ام
گنج قارون بین کز آنجا سوزیان آورده‌ام

ص ۲۵۵

عیسی و آسمان چهارم:

پس از عروج حضرت عیسی به آسمان‌ها، به دستور خداوند در آسمان چهارم متوقف شده، بالاتر نمی‌رود و در آنجا می‌ماند تا در آخرالزمان ظهور کند. خاقانی با آگاهی از این امر و این نکته که مطابق نظر منجمان خورشید در فلک چهارم است مضامین زیبایی آفریده و در ابیاتی چند به آن اشاره می‌کند:

خورشید شاه انجم و هم خانه‌ی مسیح
مصروع و تب زده است دلها ایمن از سقام

ص ۳۰۳

خورشید کاوست قبله ترسا و جفت عیسی
گفت از ملوک عصر چنو صفندی نلارم

ص ۲۸۱

عیسی ام منظر من بام چهارم فلک است
که بهشتم در رضوان شلنم نگلارند

ص ۱۵۳

مرغ عیسی:

مرغ عیسی شب‌پره است (خفاش) در سوره مبارکه آل عمران آمده است که: حضرت عیسی چیزی همانند

پرنده‌ای از گل ساخت و در آن دمید و زنده شد و پرواز کرد. نایبایی خفاش و پینا کردن کور مادرزاد که یکی دیگر از معجزات حضرت عیسی است، موجب شده خاقانی تصاویر زیبایی بیافریند:

چرا عیسی طیب مرغ خود نیست
که اکمه را تواند کرد بینا

ص ۲۴

گوهر می آتش است ورد خلیلش بخوان
مرغ صراحی گل است باد مسیحش بلم

ص ۲۵۹

چه راحت مرغ عیسی راز عیسی
که همسایه است با خورشید عنرا

ص ۲۴

رنگری حضرت عیسی:

یکی از معجزات حضرت عیسی رنگ‌رزی او بود به این صورت که از خم یکرنگ پارچه‌های رنگارنگ بیرون می‌آورد. خاقانی از این معجزه حضرت عیسی آگاه بوده و به آن اشاره داشته است:

آری در آن دکان که مسیح است رنگ‌رز
زرنیخ و نیل را توان داد دستگاه

ص ۹۱۹

عیسی به حکم رنگ‌رزی بر مصیبتش
نزدیک آفتاب لباس سیاه برد

ص ۸۷۱

بر طرف لب تو جان عیسی
از نیل و بقم دکان نهاده

ص ۶۶۳

عیسی ام رنگ به معجز سازم
بقم و نیل به دکان چه کنم

ص ۲۵۳

دجال و خر دجال:

دجال مردی کذاب است که مطابق روایات در آخر الزمان ظهور می‌کند و خود را مسیح می‌خواند (مسیح کذاب) گویند در هنگام ظهور بر خری سوار است و چشمی پیچیده (یا یک چشم) دارد. خاقانی بهره‌فراوانی از این جریان برده است:

هادی امت و مهلبی زمان کز قلمش
قمع دجال صفاهان به خراسان یابم

ص ۲۹۸

نوک پیکانها چو در همخانه‌ی عیسی رسید
چرخ ترسا جامه را دجال اعور ساختند

ص ۱۱۵

تو منگری که از لب عیسی، نفس منم
من آگهم که از خر دجال، دم تویی

ص ۹۳۱

عیسی دورانم و این کور شد دجال من
قدر عیسی کی نهد دجال ناموزون کور

ص ۸۸۷

تقلس مسجدا لاقصی:

در اشعار خاقانی در جاهای مختلفی، مسجدا لاقصی و اجزا آن را مقلس شمرده؛ همان گونه که همه مسلمانان و اهل کتاب مقدس می‌شمارند. خاقانی مسجدا لاقصی را نماد تقدس می‌شمارد و برای آن حرمت فراوانی قائل است و آن مکان مقدس را هم سنگ مسجدا لاقصی می‌شمارد.

به بوی نفس مکن جان که بهر گردن خوک
کسی نبرد زنجیر مسجدا لاقصا

ص ۷

خود سپاه پیل در بیت الحرام گویی منه
خود قطار خوک در بیت المقدس گویا

ص ۲۲

چه خصم بر نواحی ملکش گذر کند
چه خوک دم به مسجد اقصی بر افکند

ص ۱۳۸

خوان عیسی و حواریون:

حواریون یاران برگزیده حضرت عیسی بودند که دوازده تن و مبلغان دین او بودند. حضرت عیسی تعلیمات دین خود را به آنها آموخت و در اطراف و اکناف دنیا پراکنده شدند تا رسالت حضرت مسیح را دنبال کنند. در دیوان خاقانی بارها به آنها اشاره شده و از آنها نام برده است و در مورد سفره ای که حضرت مسیح با آنها داشته (خوان مسیح) سخن به میان رفته است. در سوره مبارکه مائده شرح این خوان آمده است.

بر صف حواریان صفا

بر خوان مسیح نان شکستم

ص ۷۸۷

دیگ هوس مهز که جو خوان مسیح هست
کس گویازه ی تو نیارد به خوان شاه

ص ۹۱۹

فتراک عشق گیر نه دنبال عقل از آنک
عیسیت دوست به که حواریت آشنا

ص ۳

خوان عیسی بر من و آنکه من
باک هر خر مگسی داشتمی

ص ۶۷۵

رشته مریم:

گویا یکی از کارهای که حضرت مریم انجام می داده است، دوزندگی بوده است همین کافی است که خاقانی مضامینی ظریف همچون رشته ای که حضرت مریم با آن دوزندگی می کرده است بیافریند و هر چه بیشتر بر زیبایی شعر دشوار خود بیافزاید.

سوزن عیسی میانش رشته ی مریم لبش
رومیان زین رشک زنار از میان افشانده اند

ص ۱۰۷

بر کور دلان سوزن عیسی نسپارم
بر پرده دران رشته ی مریم نفروشم

ص ۷۹۱

عیسی آنک پیش کعبه بسته چون احرامیان
چادری کان دست ریس پور عمران آمده

ص ۳۷۰

حضرت عیسی و یهود:

در روایات اسلامی در این مورد آمده است که حضرت عیسی یهودیان را به دین خود دعوت کرد اما آنان نپذیرفتند و او را دشنام دادند و حضرت عیسی آنها را نفرین کرد. دعای او مستجاب شد و آنان مسخ شدند. عده ای از جهودان نیز ترسیدند که عیسی در مورد آنها هم دعا کند و آنان نیز گرفتار شوند بنابراین بر قتل او هم داستان شدند، اما حضرت عیسی از نزد آنها گریخت و به خانه ای پناه برد.

(در منابع غیر اسلامی داستان به گونه ای دیگر است. خلاصه داستان این گونه است که وقتی حضرت عیسی در یکی از عبادتگاه ها وارد شد و بازار صرافان را به هم ریخت و چند روز بدون آن که کسی مزاحم او شود به تعلیم افکار خود پرداخت، یهودیان بسیار ناراحت شدند و جلسه ای تشکیل دادند. در دادگاه حقوقی یهودیان و خاخام بزرگ حکم به کشته شدن حضرت

بالا تر رفت، از آنجایی که خورشید نیز در آسمان چهارم است، خاقانی از این هماهنگی و همراهی عیسی و خورشید در آسمان چهارم، بسیار زیبا استفاده کرده و ابیات فراوانی آفریده است.

پس قرص آفتاب به صابون زند مسیح
کاحرام را از آزار سپید در خورش

ص ۲۱۶

صبح وارم کافتابی در نهم آورده ام
آفتابم کز دم عیسی نشان آورده ام

ص ۲۵۴

اسقف نناش گفت که جز تو به صدر عیسی
بر دیر چهارمین فلک رهبری ندارم

ص ۲۸۱

نه عیسی صفت زین خرابات ظلمت
در ایوان شمس الضحی می گریزم

ص ۲۹۰

مصلوب شدن عیسی:

چهره ای که منابع مسیحی در این مورد ارائه می دهند با آنچه اسلام در این مورد آورده متفاوت است. مسلمانان مطابق آنچه در قرآن آمده معتقد به مصلوب شدن حضرت مسیح نیستند. در این مورد در سوره مبارکه نساء آیاتی آمده با این مضمون که حضرت مسیح کشته نشده و به دار آویخته نشده، بلکه در این مورد اشتباه کرده اند. اما مسیحیان معتقدند حضرت مسیح گرفتار عده ای از دشمنان خود شده و آنها حضرت مسیح را به صلیب کشیده و کشته اند.

خاقانی به مصلوب شدن عیسی معتقد نیست و مطابق تعالیم اسلام می گوید مسیح در آخرالزمان برای یاری دادن به حضرت قائم و برچیدن ظلم و ستم از روی زمین از آسمان چهارم ظهور خواهد کرد. خاقانی در ابیاتی چند به این موضوع اشاره می کند.

جان در کنف شاهست، از حادثه نهراسد
عیسی زیر چرخست از دار نیندیشد

ص ۵۰۱

عیسی از چرخ فرود آید و ادریس ز خلد
کاین دور از زله ز خوان پایه طاها بیند

ص ۹۹

بی نوشت:

۱- قرآن کریم.

۲- اعلام قرآن، محمد خزائلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.

۳- ارمغان صبح، نصراله امامی، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۵.

۴- تجلی شاعرانه اساطیر در اشعار خاقانی، سیدعلی اردلان جوان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

۵- خارخاریندو زنتان، عباس ماهیار، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۶.

۶- دیوان خاقانی، تصحیح سیدضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۴.

۷- فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، سیدضیاءالدین سجادی، انتشارات زوار، ۱۳۷۴.

□ در جای جای دیوان خاقانی،

حضرت عیسی (ع) و مسیحیان در

مقابل یهودیان قرار دارند. این

رابطه شاید به خاطر تهمت هایی

است که یهودیان هنگام تولد

حضرت عیسی (ع) به حضرت مریم

زده اند و سبب آزار او شده اند.

عیسی دادند.

در دیوان خاقانی برای حضرت عیسی و یهود رابطه خوبی ترسیم نشده است و در جای جای دیوان خاقانی حضرت عیسی و مسیحیت را در مقابل یهود قرار داده و آنها را مخالف ترسیم کرده است. این شاید به خاطر تهمت هایی است که یهودیان در هنگام تولد حضرت عیسی به حضرت مریم می زدند و او را به این سبب بسیار اذیت کردند.

سنگ تهمت نگر که خیل یهود

در مسیح مظهر اندازد

ص ۱۲۶

کز دوستی مسیح نصاری است در سمیر
و زدشمنی مسیح یهود است در سقر

کز چه مسیح را حنر است از دم یهود
از گفته ی نصاری هم می کند حنر

ص ۸۸۵

خاطر خاقانی و مریم یکی است
وین جهلا جمله یهودی گمان

ص ۳۴۳

مسیح که گاه از یهودی هراسم
که از راهب هرزه لا می گریزم

ص ۲۸۹

دمیدن روح القدس بر مریم:

خاقانی مضامین زیبایی از این موضوع آفریده و از آنجایی که روح القدس بر حضرت مریم دمید و موجب حامله شدن حضرت مریم شد، خاقانی مریم را حامله ی بکر و حامل وحی خداوندی خوانده و تصاویر زیبایی خلق کرده است.

خاطر مریمی است حامل بکر
که دمیش ار صفا فرستادی

ص ۹۲۳

به روح القدس و نفخ روح و مریم
به انجیل و حواری و مسیحا

ص ۲۴

عیسی و خورشید:

همانطور در سطور بالا گفته شد در هنگام عروج حضرت عیسی به آسمان ها به دلیل آن که با خود سوزنی داشت در آسمان چهارم متوقف شد و در آنجا ماند و